

طبقه‌بندی تاریخ معماری در تاریخ‌نامهٔ معنا در معماری غرب^۱

فاطمه گلدار^۲

کلیدواژگان: تاریخ معماری، طبقه‌بندی، دوره‌بندی، دوره، ادوار تاریخ معماری غرب، معنا در معماری غرب، کریستیان نوربرگ- شولتس.

چکیده

این مقاله با هدف شناسایی ادوار و مفاهیم طبقه‌بندی تاریخ معماری در تاریخ‌نامهٔ معنا در معماری غرب تهیه شده است. این کتاب یکی از تاریخ‌نامه‌های مطرح غربی است و نویسندهٔ آن، نوربرگ- شولتس در زمرهٔ مورخان صاحب‌نظر و متفکر در حوزهٔ تاریخ معماری به‌شمار می‌رود. بررسی این تاریخ‌نامه حاکی از آن است که، مورخ تاریخ را بر مبنای مراحل تغییر و تحول معماری تقسیم‌بندی کرده است. مورخ در بررسی تاریخ متوجه تغییر معانی وجودی و به تبع آن تغییرات پایگاه وجودی انسان در معماری بوده است. تقسیم‌بندی تاریخ، نشان‌دهندهٔ مراحل تغییر در معماری در طول تاریخ است. در هر یک از این مراحل، معنا در تاریخ معماری غرب دستخوش تحولاتی شده است. فصل‌های کتاب بیان مراحل یا ادوار تاریخ معماری غرب است. بخشی از این مقاله به معرفی ادوار دوازده‌گانهٔ تاریخ معماری غرب در تاریخ‌نامهٔ معنا در معماری غرب اختصاص دارد. پس از آن نسبت میان این دوره‌ها و شکل‌دهی به ادوار کلان تاریخ معماری بررسی می‌شود. سپس ارتباط میان ادوار کلان تاریخ معماری غرب با ادوار تاریخ عام غرب سنجیده

و همچنین بر نام‌گذاری دوره‌ها و اختصاص دادن چند نام به برخی دوره‌ها توجه می‌شود. در بخش دیگر مقاله مفاهیم طبقه‌بندی به‌کاررفته در تاریخ‌نامه، خصوصاً دوره و سبک، بررسی و معنای هر یک بنا بر چگونگی کاربرد آن در تاریخ‌نامه تبیین می‌شود. به این ترتیب مفاهیم طبقه‌بندی تاریخ و چگونگی شناسایی ادوار تاریخ معماری در تاریخ‌نامهٔ معنا در معماری غرب استخراج می‌شود که، زمینه‌ساز تکمیل تحقیقات پیرامون طبقه‌بندی و دوره‌بندی تاریخ معماری است؛ مبحثی که مقدمهٔ لازم برای تدوین تاریخ معماری ایران به‌شمار می‌رود.

۱.

۱.۱. معرفی کتاب و نویسنده

کریستیان نوربرگ- شولتس^۳ متفکر، معلم، مورخ، و نظریه‌پردازی نروژی است و از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان و مورخان معماری در غرب به‌شمار می‌رود. آثار ارزشمندی از وی به جا مانده که، معنا در معماری غرب^۴ از جملهٔ آن‌ها است.^۵ معنا در معماری غرب یکی از تاریخ‌نامه‌های معماری غرب است که، از بررسی معماری غرب در پی رسیدن به معنای آن است. غرب از منظر مورخ مکان‌هایی را در بر

۱. این مقاله حاصل بخشی از تحقیقات پایان‌نامهٔ دکتری نگارنده در رشتهٔ معماری است که با عنوان جستجوی مبانی نظری بومی برای دوره‌بندی تاریخ معماری ایران به راهنمایی دکتر هادی ندیمی و دکتر مهرداد قیومی بیدهندی و مشاورهٔ در دانشکدهٔ معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در حال انجام است.

۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشتهٔ مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی؛

fa.goldar@gmail.com

3. Christian Norberg-

Schultz

4. *Meaning in Western*

Architecture

۵. دیگر آثار او: نیت‌ها در معماری، وجود و فضا و معماری، سکونت: به سوی معماری‌ای تمثیلی، روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری، معماری باروک و روکوکوی متأخر، معماری باروک، معماری: معنا و مکان، معماری: حضور زبان و مکان.

پرسش‌های تحقیق

۱. نوربرگ- شولتس در تاریخ‌نامه معماری خود چه ادواری را در تاریخ معماری غرب شناسایی و معرفی کرده است؟
۲. ادوار «تاریخ معماری معنا در معماری غرب» با ادوار تاریخ عام غرب چه نسبتی دارد؟
۳. مورخ از چه مفاهیمی برای طبقه‌بندی رویدادهای تاریخی بهره برده است؟

می‌گیرد که، فرهنگ غربی در آن حیات دارد. در این کتاب معماری در اروپا و امریکا و نیز مصر باستان و آسیای صغیر بررسی شده است.

این تاریخ‌نامه بر میراث تاریخ‌نویسی معماری غرب مبتنی است. مورخ، با بهره‌گیری از تحقیقات تاریخ معماری غرب، مرتبه‌ای عمیق‌تر را در تاریخ معماری بررسی کرده است. مباحث مقدماتی چون معرفی تک‌بناها و شهرها و معماران موضوع اصلی این کتاب نیست، بلکه در این کتاب، جمع‌بندی مباحث تاریخ معماری و نتیجه‌گیری از سیر تحول معماری در غرب بررسی شده است. برای این منظور نوربرگ- شولتس روایتی از معماری غرب به دست داده و در آن معانی متجلی در معماری از دوران باستان تا دهه ۱۹۷۰ تبیین شده است. نقطه آغاز بررسی تاریخ معماری غرب مصر باستان است. مورخ مصر را نیای غرب معرفی کرده است. پس از مصر، به موضوع معماری یونان و روم باستان پرداخته است. پس از آن، تاریخ معماری سرزمین‌های اروپایی و آمریکایی از صدر مسیحیت تا عصر مورخ، با سیری زمانمند تدوین شده است. تاریخ در این تاریخ‌نامه مبتنی بر زمان، با رعایت تقدم و تأخر زمان رویدادها، روایت شده است. این سیر زمان‌مند امکان مقایسه آثار معماری و تحلیل تغییرات صوری و معنایی آن‌ها را به مورخ داده است.

همان‌گونه که از عنوان کتاب برمی‌آید، نویسنده به دنبال یافتن معنا در معماری غرب بوده است. او با بررسی شواهد فرهنگی، جهان‌بینی، عقاید، و باورها، معانی را استنباط کرده است. به عقیده نوربرگ- شولتس معناها به صورت نمادین در آثار به نمایش درمی‌آیند و برای مخاطبان قابل فهم و دریافت هستند.^۶ از این رو می‌توان تاریخ‌نامه معنا در معماری غرب را تاریخ تحول معانی در معماری غرب دانست؛ به عقیده مورخ، انسان با معماری کردن، در پی یافتن پایگاه وجودی است و معانی در پایگاه‌های وجودی انسان متجلی می‌شوند. او معتقد است که، معانی وجودی تغییر و تحول می‌یابند، قابل بازشناسی و ادراک هستند، از این رو تاریخ دارند. معماری بخشی از تاریخ معنی وجودی است. هر زمان معنایی وجودی، که در معماری متجلی است، دستخوش تحولی شود، دوره‌ای جدید در تاریخ معماری شکل می‌گیرد. از این منظر، تاریخ معماری زیرمجموعه تاریخ معانی وجودی است.^۷

پایگاه نویسنده معماری است و از جایگاه معماری به تاریخ و تاریخ معماری نظر می‌کند. وی معماری را واجد مراتب صورت و معنا می‌داند و به هر دو این

۶ کریستیان نوربرگ- شولتس، معنا در معماری غرب، ص ۵۳۶-۵۳۸.

است. در «مقدمه» هر فصل تصویری کلی از معماری موضوع بحث ترسیم شده و مهم‌ترین تحولات دینی، اجتماعی، فنی، و سایر عواملی که بر معماری مؤثر بوده، از جمله شرایط بستر معماری، به اختصار تبیین شده است.

پس از مقدمه کوتاه، در بخش «منظر و سکونتگاه» ویژگی‌های اصلی سکونتگاه‌ها و طرح شهرها مطرح شده است. ویژگی‌های بستر شهری در هر فصل با معرفی چند شهر و منظر شهری شناخته‌شده آغاز می‌شود و پس از تحلیل و بررسی آنها، نظام طراحی منظر و سکونتگاه در بازه زمانی موضوع بحث معرفی می‌شود. این بررسی‌ها در بخش «بنا» با تبیین ویژگی‌های بناهای شاخص، معرفی گونه‌های بناهای اصلی و رایج در دوره، و در بخش «پرداخت» با بررسی چگونگی تزیین و مشخصه‌های صوری بناها ادامه می‌یابد. مورخ اصول مشترکی را بر نظام طراحی معماری هر دوره از منظر تا پرداخت بناها قائل است. از این رو بررسی منظر و بنا و پرداخت سه لایه از بررسی ویژگی‌های معماری هر دوره است؛ ویژگی‌هایی که در هر لایه به گونه‌ای ظهور یافته‌اند.

پس از معرفی ویژگی‌های اصلی معماری در هر بازه زمانی، چند نمونه شاخص از میان شهرها یا بناهای شناخته‌شده بررسی شده است. آثار معماری منتخب مصداق‌هایی است برای مباحث طرح‌شده در بخش‌های منظر و سکونتگاه و بنا و پرداخت. مباحث با مصداق‌هایی معدود همراه شده است. نوربرگ- شولتس مدعی نیست که ویژگی‌های معماری هر دوره در همه مظاهر معماری دیده می‌شود، او ویژگی‌های مطرح‌شده را اصول کلی حاکم بر معماری هر دوره می‌داند، این اصول در برخی بناها بیش از دیگران مشهود است. او برای شناخت معماری هر دوره به صفات بارز آن توجه کرده و با نگاهی وحدت‌گرا، سعی در کشف ویژگی‌های مشترک معماری هر دوره داشته است. همچنین به شناسایی تفاوت‌ها و تغییر باورهای مؤثر بر معماری پرداخته است. به طور مثال، در بررسی معماری صدر مسیحیت وجوه

مراتب توجه دارد؛ او صورت را بررسی می‌کند تا معنا را دریابد و محل تجلی معنا را صورت می‌پندارد.^۸ او معماری را واقعیتی زنده می‌داند و برای آن موجودیت قائل است.^۹

نوربرگ- شولتس از روح مکان نیز سخن گفته است. مکان از نظر او به مکان‌های طبیعی و انسان‌ساخت قابل تقسیم است و این هر دو قسم واجد روح هستند. «معماری به معانی وجودی متوجه است. معانی وجودی از پدیده‌های طبیعی و انسانی و معنوی نشئت می‌گیرد و در قالب نظم و شخصیت به ادراک درمی‌آید. معماری این معنی را به صورت‌های فضایی ترجمه می‌کند».^{۱۰} توجه نویسنده به معنای معماری سبب شده که، با دیدن آثار معماری در ملاحظه ظاهر آنها متوقف نشود، بلکه نگرستن به آثار را مقدمه ضروری، برای ادراک معنای آن، بداند. او در پی معنای معماری است، معنایی که معماری حامل آن است.

۲.۱. ساختار کتاب

نوربرگ- شولتس تاریخ معماری غرب را در دوازده باب و یک مقدمه مختصر و یک مؤخره تدوین کرده است. مقدمه چند سطر گزاره‌هایی است از اهم باورها و مفروضات نویسنده. با تأمل در این مقدمه می‌توان پیش‌فرض‌ها و اصول فکری مورخ را دریافت. مؤخره نیز محملی است برای بازگو کردن نظرها و باورهای نویسنده که مجالی برای بیان آنها در فصل‌های تاریخ‌نامه نیافته است. فصل‌های کتاب با این عناوین م موضوع‌ها شرح شده‌اند: معماری مصر، معماری یونان، معماری روم، معماری صدر مسیحیت، معماری رومیانه، معماری گوتیک، معماری رنسانس، معماری شیوه‌پردازانه، معماری باروک، عصر روشنگری، کارکردمداری، و کثرت‌مداری.

فصل‌ها ساختاری مشترک دارند و هریک شامل بخش‌های مقدمه، منظر و سکونتگاه، بنا، پرداخت، مصداق‌هایی از شهرها و بناهای شاخص، تصور فضا و سیر تحول آن، و معنا و معماری

۷. همان، ص ۵۴۵-۵۴۷.

۸. «این کتابی است درباره معماری».

همان، ص ۱.

۹. «معماری واقعیتی زنده است.».

همان‌جا.

۱۰. همان‌جا.

مشترک معماری را چنین برشمرده است: «صفات بارز معماری صدر مسیحیت ویژگی‌های بنیادی‌ای فارغ از تفاوت‌های کارکرد و اوضاع محیطی است. در هر کلیسای صدر مسیحی همان میل به جسمانیت‌زدایی و اهمیت فضای داخلی را می‌یابیم، یعنی میل به فضای روحانی را. [...] روحانی کردن فضا از طریق مخالفت با میراث معماری یونان و روم محقق شده است: مخالفت از طریق دگرگون کردن نه ردّ و انکار»^{۱۱}.

در بخش «تصور فضا و سیر تحول آن» در هر فصل، چگونگی سازمان‌دهی فضایی در هر دوره و تحول آن و موضع‌شناسی بناها بررسی شده است. یکی از مفروض‌های نویسنده آن است که، هر فضای سازمان‌یافته متشکل از عناصر مرکز، راه، و قلمرو است. رابطه این سه عنصر، طرز سازمان‌دهی راه و مرکز در چهارچوب جهان‌بینی و نگرش هر دوره تبیین شده است. فضا در نظر نوربرگ- شولتس اهمیتی ویژه دارد و در پی شناختن و شناساندن فضاها و سیر تحول آن‌ها است.

در بخش «معنا و معماری» از طریق جمع‌بندی مباحث طرح‌شده، معنای معماری بررسی می‌شود. در این بخش، چگونگی تبلور جهان‌بینی، عقاید، دیدگاه‌ها، و به طور کلی فرهنگ دوره موضوع بحث در قالب معماری تبیین می‌شود.^{۱۲}

۳.۱. در جستجوی چگونگی دوره‌بندی و طبقه‌بندی تاریخ در معنا در معماری غرب

مورخ از حدود دو سده تجربه تاریخ‌نویسی معماری و هنر بهره گرفته و تاریخی غنی و عمیق برای معماری غرب تدوین کرده است. نوربرگ- شولتس مانند هر مورخ دیگر، ناگزیر از روش‌هایی برای سامان‌دهی اطلاعات تاریخی بهره گرفته است. گرچه اغلب مورخان مبانی نظری طبقه‌بندی رویدادهای تاریخی را تبیین نکرده‌اند، نظر ایشان در چگونگی سامان‌دهی اطلاعات تاریخ‌نامه ظهور یافته است. لازم به ذکر است که، شناسایی و معرفی دوره‌های تاریخ معماری غرب از اهداف اولیه نوربرگ-

شولتس نبوده، اما محصول کار او همچون دیگر تاریخ‌نامه‌ها بازتابی از ادوار مورد نظر مورخ است. از این رو در این مقاله تاریخ‌نامه معنا در معماری غرب از منظر چگونگی طبقه‌بندی اطلاعات بررسی و ادوار تاریخ معماری غرب از منظر مورخ استخراج می‌شود. همچنین مفاهیم به‌کاررفته در طبقه‌بندی رویدادها در تاریخ معماری شناسایی و تعریف می‌شود. نتایج این بررسی زمینه‌ساز پرداختن نظریه‌ای درخور طبقه‌بندی تاریخ معماری ایران است.

برخی از مورخان تحولات ظاهری معماری را دنبال می‌کنند و از این طریق در پی دریافتن ادوار تاریخ معماری هستند. نوربرگ- شولتس گرچه به ویژگی‌های ظاهری معماری متوجه است، اما برای روایت تاریخ به صورت اکتفا نکرده است. با گذر زمان تغییر و دگرگونی بیشتری نسبت به معانی می‌یابند. نکته قابل تأمل آن است که، معنای معماری امری ثابت نیست. نویسنده در ادوار مختلف معناهای متفاوتی از معماری استنباط کرده است. به بیان دیگر در هر دوره معنای معماری متفاوت با دوره پیش و پس از آن است. به تعبیر دیگر به سبب تغییر معنای معماری است که، ادوار تاریخ معماری قابل شناسایی و تعریف می‌شود. در نتیجه تفکر نوربرگ- شولتس در شناسایی و معرفی ادوار توجه به تغییر معنا است.^{۱۳} وی ریشه‌های تغییر و تحول در معماری را در مرتبه نظر می‌جوید و به باورها، آرمان‌ها، و خیال‌ها می‌پردازد. دنبال کردن باورها، از ابتدا تا پایان، در این تاریخ‌نامه مشهود است. باورهایی که، به عقیده نوربرگ- شولتس زیرنقش و رشته پیوند تکثرات در آثار معماری به‌شمار می‌رود.

مورخ با پی گرفتن باورها، که تدریجاً و به‌کندی متحول می‌شوند، نظریه‌ای را مطرح می‌کند که، بر اساس آن علل تغییر در صور معماری از تحول باورها نشئت می‌گیرد. او در بررسی تاریخ معماری به تاریخ تفکرات و باورهای مؤثر در معماری نیز توجه داشته است. تحول در باورها و شکل‌گیری خیالی تازه نشانه‌ای است از آغاز تحول تدریجی در آثار معماری. فصل‌های

۱۱. همان، ص ۱۶۵ و ۱۶۶.
 ۱۲. زهرا اهری، «معنا در معماری غرب: رویکردی پدیدارشناسانه در بررسی تاریخ معماری»، ص ۱۵۰.
 ۱۳. این نکته قابل طرح است که، ادوار تاریخ معماری نوربرگ- شولتس، که در قالب فصل‌های کتاب معرفی شده است، شباهت‌هایی با ادوار رایج در تاریخ‌نامه‌های مطرح معماری دارد. بررسی نسبت میان ادوار تاریخ معماری در تاریخ‌نامه‌های معماری غرب موضوع مقاله‌ای دیگر است.

وجودی انسانی غربی است، او، به تحولات اندیشه و باورهای انسان غربی نیز متوجه بوده و با پی‌گیری این باورها و نیز آثار مادی به‌جامانده از انسان غربی، پایگاه‌های وجودی او را در سیر زمان شناسایی کرده است. وی با شناسایی هر تغییر بنیادین در پایگاه وجودی، معماری و مباحث مرتبط با آن را در فصلی مجزا سامان داده است. هریک از فصل‌های تاریخ‌نامه معنا در معماری غرب معرف یکی از دوره‌های تاریخ معماری غرب از منظر نوربرگ- شولتس است. پایان یک فصل و آغاز فصل جدید معرف تغییر در باورها و خیال‌ها و آغاز معماری متفاوتی با معماری پیشین است. از این رو می‌توان فصل‌های معنا در معماری غرب را دوره‌هایی از تاریخ معماری شمرد که، در آن‌ها باورها و عقاید نسبت به قبل تحولاتی داشته است؛ دوره‌هایی که واجد ویژگی‌های نظری و عملی خاص خود هستند و هریک نماینده مرحله‌ای از تغییرات معماری به‌شمار می‌روند. این ادوار از نظر وسعت زمانی و میزان اثرگذاری بر تاریخ وضعیت یکسانی ندارند. برخی دوره‌ها وسیع و برخی دیگر محدود هستند. تحقق خیال دوره گاه به گذراندن مراحل و کسب تجربه‌هایی نیازمند است. نوربرگ- شولتس این مراحل را دوره‌هایی وابسته به یکدیگر و شکل‌دهنده دوره‌ای بزرگ‌تر می‌داند. مراحل که مقدمه‌ای برای تکامل روند شکل‌دهی به خیال دوره است.

۲.۲. نسبت ادوار تاریخ معماری با ادوار تاریخ عام غرب

۲.۲.۱. ادوار باستان، وسطا، و مدرن

تاریخ معماری، همان‌گونه که از نامش پیدا است، تاریخ است و از این رو ارتباطی عمیق با تاریخ عام دارد. باورهای مؤثر بر معماری نتیجه باورهای زندگی انسان‌ها در همه شئون است. تاریخ عام محل گرد آمدن و ضبط شدن اطلاعاتی در زمینه‌های دین، سیاست، اقتصاد، علوم و فنون، و... است. نوربرگ- شولتس گرچه متمرکز بر رویدادهای تاریخ معماری است، بسیاری از

کتاب فصل‌های تغییر در باورهاست. مصر و یونان و روم باورهایی خاص سرزمین خود داشته‌اند. ارتباط اندک آن‌ها با دیگر سرزمین‌ها فصل‌هایی مجزا در معماری و تاریخ معماری برای آن‌ها پدید آورده است. ضمن آنکه عوامل پیونددهنده میان این سرزمین‌ها- خصوصاً یونان و روم- چندان قوی و مؤثر نبوده است. از معماری صدر مسیحیت به بعد هر فصل نماینده مرحله‌ای از باورهای شکل‌دهنده به تاریخ معماری است. به بیان دیگر هرگاه باورها و خیال انسان‌ها درباره زندگی و به تبع آن معماری تغییر کرده، فصلی جدید در تاریخ معماری گشوده شده است. فصل‌های دوازده‌گانه کتاب نمایانگر فصل‌های تغییر در خیال معمارانه است. در هر فصل در پی تغییر باور معماری دستخوش تغییراتی می‌شود.

۲.

۲.۱. نسبت فصل‌های کتاب با ادوار تاریخ معماری

تاریخ معماری در تاریخ‌نامه معنا در معماری غرب در قالب فصل‌هایی بیان شده است.^{۱۴} تأمل در فصل‌های کتاب نشان‌دهنده آن است که، فصل‌ها به گونه‌ای زمان‌مند از گذشته تا حال ترتیب یافته‌اند. روایت معماری غرب در پایان هر فصل با آغاز فصل بعد در ارتباط است. جریان تاریخ در تاریخ‌نامه برقرار است و فصل‌ها چون راهنما و نشانه‌هایی است برای ادراک بهتر سیر تاریخ.

فصل‌های کتاب نماد پایگاه‌های مختلفی است که انسان غربی در طول حیاتش برای خود اختیار کرده است. هریک از این پایگاه‌ها واجد ویژگی‌های صوری و معنایی مخصوص به خود است. گویی با گذر زمان انسان غربی نظرهای متفاوتی درباره وجود خویشتن یافته و آن را در قالب‌هایی گوناگون به نمایش درآورده و ابراز کرده است. نوربرگ- شولتس در پی یافتن و شناختن این پایگاه‌ها است. از آنجا که این پایگاه‌های

۱۴. فهرست فصل‌های کتاب در بخش «ساختار کتاب» آورده شده است.

رویدادهای مؤثر بر معماری را از تاریخ عام گردآوری کرده است. حال آنچه لازم است بررسی شود نسبت ادوار تاریخ عام در غرب با ادوار تاریخ معماری از منظر نوربرگ- شولتس است.

در تاریخ‌نامه معنا در معماری غرب ادوار برگرفته از تحول تاریخی معماری است. نوربرگ- شولتس در خلال پژوهش هریک از ادوار تاریخ معماری، به ارتباط آن‌ها با دوره‌هایی از تاریخ عام غرب پی برده و آن را بررسی کرده است. دوره‌های کلان تاریخ عام در تاریخ معماری غرب نیز طرح شده است. این ارتباط به چندین طریق میان ادوار تاریخ معماری و ادوار تاریخ عام برقرار شده است.

طریق نخست؛ نوربرگ- شولتس پس از معرفی برخی دوره‌های تاریخ معماری نام و عنوان(های) دیگری نیز به آنها داده، عناوینی که اغلب برگرفته از تاریخ عام غرب است. اعطای چند نام به یک دوره زمینه ارتباط دوره تاریخ معماری را با دوره‌های هم‌زمان آن‌ها در تاریخ عام برقرار می‌کند. ادراک این ارتباط بهره‌هایی برای مخاطبان تاریخ به همراه دارد. با برقراری چنین پیوندهایی زمینه مطالعه برای فهم عمیق‌تر و گسترده‌تر دوره معماری فراهم می‌شود.

راه دوم؛ تعدادی از ادوار دوازده‌گانه در تاریخ‌نامه معنا در معماری غرب دوره‌هایی مستقل به‌شمار نمی‌روند. این دوره‌ها مرحله‌ای از یک تحول بزرگ هستند و در پی هم به دوره‌ای کلان شکل می‌دهند. نوربرگ- شولتس این دوره‌های کلان را از طریق تعریف ارتباط آنها با تاریخ عام معرفی کرده است. نام‌های این ادوار کلان برگرفته از نام‌های ادوار تاریخ عام غرب است. از جمله این ادوار، دوره وابسته معماری مصر و یونان و روم است که به دوره بزرگ‌تر کلاسیک یا باستان شکل می‌دهد. نوربرگ- شولتس پس از اتمام سه فصل نخست، این ادوار را دوره کلاسیک نامیده است. دوره کلاسیک نامی است که پیش از این بسیاری از مورخان آن را به‌کار برده‌اند. با این تعبیر دوره‌ای کلی‌تر در تاریخ معماری غرب تعریف می‌شود و دوره کلاسیک

در برابر دوره جدید پس از آن قرار می‌گیرد. به طور مثال در فقره‌ای که در ادامه می‌آید، معماری صدر مسیحیت با دوره کلاسیک مقایسه شده است. «این طرز پرداخت فضای داخلی [دوره صدر مسیحیت] با طرز پرداخت اندام‌های آدمی‌واری، که در «دوره کلاسیک» می‌بینیم تفاوت بنیادی دارد».^{۱۵} «نمادگان باروی شهر [در دوره گوتیک] برخی از انگاره‌های مهم «دوران باستان» را احیا می‌کند».^{۱۶} نوربرگ- شولتس در این فقره از دوران باستان در مقایسه با دوره گوتیک نام برده است. مقصود او از دوران باستان معماری پیش از مسیحیت است.

قرون وسطی در دوره‌بندی اصلی فصل‌های تاریخ‌نامه معنا در معماری غرب مطرح نشده است؛ اما در فقراتی مورخ دوره‌های پس از مسیحیت تا گوتیک را با نام قرون وسطی خوانده است. «مجموعه کلیساهای اعظم واقع در پیزا از بهترین نمونه‌های بناهای بشکوه معماری ایتالیا در «قرون وسطی» است».^{۱۷} مورخ تحولات معماری غرب را در این ادوار برای رسیدن به هدفی واحد می‌داند. این ادوار مرتبط با یکدیگر دوره‌ای بزرگ‌تر- قرون وسطی- را شکل می‌دهند. قرون وسطی در تاریخ غرب یکی از ادوار کلان و اصلی به‌شمار می‌رود. تعریف نسبت ادوار تاریخ معماری با ادوار تاریخ عام نشان‌دهنده ارتباط دوره‌های این دو تاریخ با یکدیگر است. «می‌توان سیر تحول معماری غربی «قرون وسطی» را گام به گام از رینوواتیو رومانوروم شارلمانی پی‌گرفت. [...] معلوم می‌شود که مسیحیت در راه پدید آوردن ترکیب بزرگ دوران گوتیک بود».^{۱۸} می‌توان دریافت که، سیر تحولات معماری غرب پس از آغاز مسیحیت به دوره‌ای اصلی منتهی می‌شود. در این مسیر معماری از دوره رومیانه می‌گذرد که می‌توان آن را دوره گذار صدر مسیحیت به دوره گوتیک نامید. گرچه معماری رومیانه واسط و حلقه وصل معماری صدر مسیحی به گوتیک است، تحولات آن چنان تأثیرگذار است که خصوصیات آن یک دوره را شکل داده است. نویسنده معماری گوتیک را معماری اواخر قرون وسطی نامیده است.^{۱۹} قرون

۱۵. نوربرگ شولتس، همان، ص ۱۴۴ و ۱۴۶.
 ۱۶. همان، ص ۲۱۹.
 ۱۷. همان، ص ۲۰۰.
 ۱۸. همان، ص ۲۰۹.
 ۱۹. همان، ص ۲۱۵.

جدید در عالم معماری ظهور یافت. بودن کلیسا در شهر یکی از ضروریات زندگی مسیحیان شد. کلیسا به قلب شهر بدل شد. علاوه بر این تغییر کالبدی در شهرها، باورها و اندیشه‌های مسیحیان نیز دستخوش تغییراتی شد. رواج یافتن دینی تازه در سراسر اروپا حلقه وحدت‌بخش سرزمین‌های اروپایی شد. نوربرگ- شولتس، هنگامی که سخن خود را درباره معماری رومیانه آغاز می‌کند، غرب را سرزمینی یکپارچه می‌داند؛ سرزمینی که «به رغم تقسیمات سیاسی و ناآرامی‌اش، وحدت فرهنگی‌ای قوی [در آن] برقرار بوده است».^{۲۳} هنگامی که باور مسیحی در انسان‌های غربی اثر کرد، به آنان وحدت فرهنگی بخشید. سخن نویسنده از سرزمین‌ها و جغرافیای غرب نیست، بلکه او به فرهنگ غرب نظر دارد و از این رو اروپا و سپس امریکا را به دلیل تشابه‌های فرهنگی غرب می‌نامد. «کلیسا در صدد بود مبنای فرهنگی مشترکی در اروپا پدید آورد. [...] ارزش‌های مسیحی مبنای زندگی‌ای پرمعنا و عمومی در این عالم [عالم غربی] شده بود».^{۲۴} از صدر مسیحیت دین عامل پیوند افراد از ملیت‌های مختلف به یکدیگر شد. این امر بر ظهور تقسیم پیش از مسیح و پس از آن در تاریخ‌نامه معماری معنا در معماری غرب دلالت دارد.

با آغاز مسیحیت گویی انسان غربی نه در قالب روم گنجیده نه در قالب یونان؛ بلکه سرزمینی یکپارچه شده و شخصیتی واحد یافته است و معماری آن گاه در ایتالیا به اوج می‌رسد و گاه در امریکا و... معماری در سه فصل نخست، معماری چند سرزمین غربی بود، اما از صدر مسیحیت معماری غرب شکل گرفت. در واقع معنا در معماری غرب از صدر مسیحیت به بعد معنادار است و فصل‌های پیشین چون مقدمه‌ای است برای تبیین پیشینه مؤثر بر معماری غرب. پیرنگ شدن مرز میلاد مسیح در این تاریخ‌نامه یادآور تفکر مسیحی درباره تاریخ است؛^{۲۵} در این نوع تفکر دوران پیش از میلاد مقدمه‌ای است برای ظهور و تاریخی که با تجسد مسیح آغاز می‌شود. از این رو با تأمل در

وسطی خصوصیتی دارد که مطرح شدن آن در ادوار معماری معنادار است. معماری این دوره بزرگ با خصوصیتی شناخته می‌شود. «قرون وسطی» احساس حضور در درون، حضور در مکانی را پدید می‌آورد که در شهر مدرن از دست رفته است. [...] «شهر قرون وسطی» چیزی بیش از محوطه مادی است. ویژگی بارز این شهر اصالت درون است. [...] ویژگی زیستگاه قرون وسطا را می‌توان حاصل اتساع همان ویژگی‌ای دانست که پیش‌تر در فضای داخلی کلیسا ظاهر شده بود».^{۲۰}

نویسنده سه فصل پایانی کتاب، عصر روشنگری، کارکردمداری، و کثرت‌مداری، را در دایره دوره مدرن می‌بیند. «کثرت‌مداری، که معمولاً آن را معماری مدرن می‌خوانند، نتیجه طبیعی تحولی است که با معماری روشنگری آغاز شد و با کارکردمداری ادامه یافت».^{۲۱} بررسی تاریخ‌نامه حاکی از آن است که، اندیشه تقسیم تاریخ معماری به باستان، قرون وسطی، و مدرن در پس تقسیم‌بندی فصل‌های کتاب مستتر است. ادوار سه‌گانه باستان، وسطی، و مدرن، دوره‌هایی کلان و تثبیت‌شده در تاریخ عام به‌شمار می‌روند. این ادوار سه‌گانه حدود سه قرن دوره‌های اصلی تاریخ شمرده می‌شدند و همچنان در تقسیم‌بندی تاریخی کاربرد دارند.^{۲۲} این سه دوره کلان تاریخی در تاریخ معماری غرب نیز ظهور یافته و ادوار دوازده‌گانه معماری غرب را در سه دسته کلی‌تر جای‌داده است. در مجموع می‌توان بیان کرد که، میان ادوار تاریخ معماری و تاریخ عام نسبت‌هایی است و می‌توان این نسبت‌ها را در تاریخ‌نویسی معماری اعلان کرد. ارتباط میان ادوار تاریخ معماری برای فهم‌پذیرتر شدن و تقویت نسبت آن با جریان تاریخ عام مفید است.

۲.۲.۲. ادوار پیش از مسیح و پس از آن

معماری صدر مسیحیت آغازگر دوره‌ای اساساً تازه در معماری غرب بود. این دوره با تغییر دینی و اجتماعی مهمی همراه بود. تأثیرات این تغییر در زندگی مسیحیان محسوس بود. بنایی

۲۰. همان، ص ۲۱۵ و ۲۱۷.

۲۱. همان، ص ۵۲۹.

22. William A Green, "Periodization in European and World History", p. 13.

۲۳. نوربرگ- شولتس، همان، ص ۱۷۳.

۲۴. همان، ص ۱۷۷.

۲۵. تاریخ‌نویسی با توجه به میلاد مسیح معرف جهان‌بینی عیسویانه تازه است. در این دیدگاه تجسد مهم‌ترین رویداد تاریخ است و دوره‌های دنیا به صورت مقدمات رسیدن به تجسد مسیح دیده می‌شود (دیتریچ جرارد، «دوران‌گذاری در تاریخ»، ص ۱۲۵۶).

تقسیم‌بندی دوازده‌گانه کتاب می‌توان ادوار کلان دیگری نیز در تاریخ معماری نوربرگ- شولتس یافت. مورخ در بخش اول مباحث کلی زمینه‌ساز برای آشنایی با معماری غرب را بیان کرده و در فصل‌های بعد به تفصیل و با ذکر جزئیات بیشتر به معماری غرب پرداخته است. بنا بر این می‌توان فصل‌ها را، بنا بر ادوار کلان پیش و پس از مسیح، به این صورت نمایش داد:

بخش اول: «مقدمه‌ای بر معنا در معماری غرب»: معماری مصر، معماری یونان، معماری روم

بخش دوم: «معنا در معماری غرب»: معماری صدر مسیحیت، معماری رومیانه، معماری گوتیک، معماری رنسانس، معماری شیوه‌پردازانه، معماری باروک، عصر روشنگری، کارکردمداری، کثرت‌مداری.

۳.

۳.۱. مفاهیم طبقه‌بندی: دوره و سبک

دوره ۶، سبک ۲۷، شیوه ۲۸ و گونه ۲۹ از مفاهیمی است که برای تبیین تاریخ معماری در کتاب معنا در معماری غرب به کار رفته است. دوره و سبک بیش از دیگر مفاهیم در طبقه‌بندی و دوره‌بندی این تاریخ‌نامه معماری نقش داشته است. از این رو در ادامه به موارد کاربرد دوره و سبک پرداخته می‌شود.

در نظر نخست، گویی مورخ تمایزی میان مفاهیم دوره و سبک قائل نشده است؛ چراکه در مواردی از هر دو واژه سبک و دوره برای معرفی معماری فصل‌هایی از کتاب استفاده شده است. به طور مثال معماری رومیانه در مواردی دوره رومیانه و در مواردی دیگر سبک رومیانه نامیده شده است. اما بررسی‌های دقیق‌تر متن تاریخ‌نامه حاکی از آن است که، از سویی، مورخ معماری همه دوره‌های کتاب را سبک نخوانده و از سوی دیگر، معماری برخی فصل‌ها را، که ویژگی‌های مشترکی دارند، سبک نامیده است. در ادامه به چند مثال از کاربرد سبک برای معرفی دوره‌هایی از معماری پرداخته می‌شود.

26. period
27. style
28. order
29. type

۳۰. نوربرگ- شولتس، همان، ص ۹۵.

۳۱. همان، ص ۲۰۷.

در فقره‌ای، مورخ معماری رومی را سبکی بین‌المللی خوانده است،

در معماری رومی عناصر کلاسیک قطعاً بخش اعظم نیروی حجمی و استقلال خود را از دست دادند، ولی در عوض به نوعی جدید از محیط منسجم فضایی شخصیت بخشیدند. اما این شخصیت دیگر شخصیت مکان منفرد نبود. فضا و پرداخت خود تابع گونه‌های بسیار قانونمندی گشتند که می‌شد آنها را بدون تغییرات اساسی در هر جا به کار برد. پس شاید بتوان مشخصه معماری رومی را چنین تعیین کرد که، این معماری سبکی بین‌المللی است و از موقعیت جغرافیایی خاص خود مستقل است.^{۳۰}

در معماری رومی نوعی جدید از محیط منسجم فضایی خلق شد، فضا و پرداخت آن تابع گونه‌های قانونمندی شد، این گونه فضاهای قانونمند قابلیت آن را داشت که، بدون تغییرات اساسی در مکان‌های مختلف اجرا شود. مهم‌ترین ویژگی معماری روم، که آن را به سبکی بین‌المللی تبدیل کرده بود، فرا رفتن آن از قید جغرافیا است. این درحالی است که هنگام سخن از دوره‌های معماری گفته می‌شود، منظور معماری مقید به زمان و مکانی خاص است.

در فقره‌ای دیگر، از معماری دوره رومیانه با عنوان سبک رومیانه یاد شده است. گویی معماری این دوره خصوصیات سبک را نیز داشته است. معماری این دوره، بنا بر تغییر و تحولاتی که در شیوه تعریف فضا ایجاد شده، سبکی تازه به حساب آمده است. «سبک رومیانه این قابلیت را داشت که تفاوت‌های چشمگیر کارکرد و محتوا را تعیین بخشد. این سبک به سبب تمامی وحدت فرهنگی بنیادی آن، چندین نوع بنای چشمگیر را به‌علاوه تنوعات محلی آن‌ها در خود جای داده است».^{۳۱} این سبک در نقاط مختلف ویژگی‌هایی متفاوت یافته است؛ «در سبک رومیانه ایتالیا بر نمای منظم، اما غنی و قدری پرزرق

در اقسام جدید بناها به کار بردند، از ارزش آن صورت‌ها کاسته شد.^{۳۲} صورت‌های سبک‌ها برای کارکردهایی ابداع شده بودند؛ به عقیده نوربرگ- شولتس هنگامی که این صورت‌ها برای بناهایی با کارکردها و ویژگی‌های متفاوت به کار برده شده، از ارزش آنها کاسته شده است.

تأمل در این موارد نشان‌دهنده آن است که، نوربرگ- شولتس زمانی از معماری «برخی» دوره‌ها با عنوان سبک یاد کرده است که، معماری از زمان و مکان خاص خود فراتر رفته و فارغ از محدودیت‌های زمانی و مکانی قابلیت رواج در دیگر مکان‌ها و زمان‌های بعد را یافته است. معماری چنین دوره‌هایی می‌تواند در قالب سبک در ادوار بعدی نیز به حیات خود ادامه دهد. ویژگی‌های صوری و شکلی در سبک مطرح است و مشخصه شناسایی سبک‌ها به‌شمار می‌رود. سبک علاوه بر آنکه ویژگی‌های صوری ویژه‌ای دارد، از معنا نشئت می‌گیرد. معنا نقشی بنیادین و اساسی در سبک دارد و صورت تفسیر مادی آن معنا به‌شمار می‌رود. بنا بر این هر سبک معماری معنا و صورت دارد. معنای موجود برای تبیین معماریانه به صورت نیاز دارد و آن هنگام که معنایی در قالب صورت بیان می‌شود سبک زاده می‌شود. تحول سبک معماری یکی از نشانه‌های احتمالی تغییر ادوار تاریخ معماری است. گاه سبک چنان فراگیر می‌شود که، یک دوره تاریخی را در بر می‌گیرد. این در حالی است که دوره مفهومی عام در طبقه‌بندی تاریخ است. مفهومی است مشترک میان تاریخ عام و تاریخ معماری و دیگر تاریخ‌ها. دوره در قید زمان و مکان است، هر دوره از تاریخ، علی‌رغم ارتباط‌هایی که با دیگر دوره‌ها دارد، منحصر به فرد است.

آنچه سبب می‌شود که، نوربرگ- شولتس معماری بازه زمانی‌ای را به دوره‌ای نسبت دهد، یافتن قواعد معماری است. قاعده‌هایی که در زمان‌های مختلف دستخوش تحولاتی می‌شوند. او به طور مثال در مبحث معماری گوتیک یا قرون وسطای متأخر چنین گفته است: «سکونتگاه‌های قرون وسطای متأخر اگرچه

و برق تأکید می‌شود. در انگلستان با حالتی استوار و مردانه مواجه می‌شویم، که با دیوارهای بس ستبر و جرزهای عظیم و استوانه‌ای شناخته می‌شود».^{۳۳} مورخ سبک در معماری اروپایی را امری پویا می‌داند که در همه جا خود را به یک صورت آشکار نمی‌کند.^{۳۴} زنده و پویا بودن سبک در سبک رومیانه قابل مشاهده است. این سبک مشخصه‌های معنایی و صوری ویژه‌ای دارد که، در تعامل با بسترهای گوناگون از مشخصه‌های معماری بومی آن مناطق- ایتالیا و انگلیس و... اثر پذیرفته و متناسب با ویژگی‌های سرزمین ظاهر شده است. این تنوع‌های محلی تابعی است از جریان کلی سبک.

فرا رفتن سبک از قید جغرافیا سبب می‌شود که، سبک، فارغ از دوره‌ای که در آن شکل گرفته، در زمان‌های دیگر نیز به کار رود. مورخ سبک را پاسخی بی‌زمان به مسائل مربوط به مکان می‌داند.^{۳۵} از این رو ممکن است که، در زمان‌های بعدی توجه بر صورت سبک معطوف و به معنای آن بی‌توجهی شود. به طور مثال در بحث معماری عصر روشنگری، مورخ از رواج یافتن سبک‌های قدیم چنین یاد کرده است: «برخی از معماران، مانند شینکل^{۳۵} چنین می‌نمودند که ماهیت سبک‌های تاریخی را حقیقتاً فهمیده‌اند؛ اما در مجموع این سبک‌ها {در بناهای آنان} نقابی بیش نبود که ساختار واقعی عمارت را می‌پوشاند».^{۳۶} به‌کارگیری مجدد سبک‌ها، بی‌توجه به ماهیت و معنای آن‌ها، عناصر صوری سبک را چون نقابی بر معنای متفاوت و جدید بناها می‌افکنند. در این شرایط سبک زنده و پویا نیست و صورت آن بر کالبدی متفاوت و متمایز قرار گرفته است. چنین بهره‌ای از سبک سبب انحطاط کاربرد آن می‌شود. سبک خالی از معنا اثرگذاری چندانی ندارد و اغلب پس از گذشت زمانی اندک مطرود می‌شود. نوربرگ- شولتس یکی از علل مطرود شدن کاربرد صوری سبک‌ها را چنین می‌داند: «در طی ادوار مهم گذشته، برخی صور را همواره برای کارکردهای خاصی به‌کار می‌بردند. هنگامی که، در طی سده نوزدهم، همان صورت‌ها را

۳۲. همان، ص ۲۰۷

۳۳. نوربرگ- شولتس، معماری،

حضور، زمان و مکان، تهران، ص

۲۹۳

۳۴. همان‌جا.

35. Karl Friedrich Schinkel

۳۶. نوربرگ- شولتس، معنا در

معماری غرب، ص ۳۹۶ و ۳۹۸.

۳۷. همان، ص ۳۹۸.

نامنتظم و شگرف می‌نمایند، بر قواعد انتظام نمادینی استوارند. این سکونتگاه‌ها، فارغ از اندازه‌شان، صفات اصلی مشترکی داشتند: محصوریت، تراکم، صمیمیت، تمایز، و تفصیل کارکردی.^{۳۸}

۴.

۱.۴. ظهور زمان و نام هنرمندان در تاریخ معماری

نوربرگ- شولتس تاریخ معماری غرب را از دوران باستان تا زمان معاصر خویش بررسی کرده و روایت آن را از قدیم‌ترین دوره تا ادوار متأخر ترتیب داده است. گرچه مورخ در اغلب بخش‌های تاریخ‌نامه سخنی از زمان (دقیق یا تقریبی) روی دادن رویدادها به میان نیاورده است، سعی داشته تقدم و تأخر زمانی را مراعات کند و مبحث‌ها را بر گذر زمان ترتیب دهد. به طوری که می‌توان گفت که، تاریخ معماری او با زمان پیش می‌رود. چنین ترتیبی در تاریخ‌نامه سبب شده که، نسبت زمانی رویدادها با یکدیگر و تغییر و تحول معماری در گذر زمان قابل ادراک باشد.

در این تاریخ‌نامه، علاوه بر سیر زمانمند تاریخ معماری، سیری از تعادل و توجه به ذکر زمان روی دادن رویدادها به چشم می‌خورد.^{۳۹} نوربرگ- شولتس در نگرش خود به تاریخ، از ابتدا تا کمی پیش از آغاز رنسانس، جز در مواردی اندک، به زمان رویدادن رویدادها اشاره نکرده است. در این تاریخ‌نامه، در بیان تاریخ حوالی رنسانس، ظهور زمان به طرز محسوسی بیشتر شده است. از رنسانس تاریخ رویدادهای مهم ذکر شده و به تدریج بر دقت و تعداد ذکر زمان افزوده شده است. گویی تاریخ معماری پیوند بیشتری با زمان یافته است. ذکر زمان در نامیدن دوره‌ها نیز اثر داشته است. دوره‌های رنسانس و بعد از آن، علاوه بر نام اصلی، نام سدهٔ رواج آن‌ها نیز خوانده شده‌اند. به طور مثال از معماری رنسانس با عنوان معماری سدهٔ پانزدهم، از معماری شیوه‌پردازانه با عنوان معماری سدهٔ شانزدهم، از معماری باروک با عنوان معماری سدهٔ هفدهم و هجدهم، و از معماری عصر روشنگری با عنوان معماری سدهٔ نوزدهم یاد شده است.

سیر مشابهی را می‌توان در ذکر نام افراد در این تاریخ‌نامه مشاهده کرد. پیش از رنسانس تحولات معماری فارغ از نام سازندگان آن‌ها اهمیت داشت و تبیین تاریخ به طور عمده با بررسی آثار معماری همراه بود. کمتر از هنرمندان و افرادی که در طراحی و ساخت آثار نقش داشته‌اند سخن به میان می‌آمد. این در حالی است که، از حوالی رنسانس سخن از افراد تحول‌آفرین بسیار است و نام افراد مؤثر در تاریخ ثبت شده و نقش آنان در تغییر و تحولات معماری بیان شده است. این سیر تا جایی پیش می‌رود که، افرادی نمایندگان یک دوره محسوب می‌شوند و آثار شاخص دوره از میان آثار آنان برگزیده می‌شود. این دو تحول- ذکر زمان و نام افراد- در کل تاریخ‌نامه سیری مشابه را طی کرده و بر تاریخ‌نویسی اثرگذار بوده است.

از نخستین معمارانی که به تفصیل دربارهٔ آنان بیان شده، برونلسکی است. «در سرتاسر مطالبی که دربارهٔ اصول معماری رنسانس آوردیم، نام فیلیپو برونلسکی^{۴۰} مطرح بود. برونلسکی که در سال ۱۳۷۷م در فلورانس زاده شده، پیشگام سبک جدید بود و تا زمان مرگش در ۱۴۴۶ معمار اصلی و بی‌منازع روزگار خود بود. [...] برونلسکی را معمولاً نخستین معمار واقعی در تاریخ شمرده‌اند. برونلسکی را نخستین نابغهٔ منفرد و خلاق دانسته‌اند».^{۴۱}

در مبحث معماری کارکردمداری مورخ از لوکربوزیه چنین یاد کرده است: «او رابطهٔ طبیعی میان ساختمان اسکلتی و فضای گشوده را تشخیص داد و چیزی را عموماً ممکن ساخت که تا آن زمان فقط به ذهن معدودی از پیشگامان خطور کرده بود. بعدها این انگارهٔ کلی را بسط داد و در قالب کتاب مشهورش، پنج نکته در معماری‌ای نو^{۴۲} مطرح کرد».^{۴۳} در فصل‌های پایانی کتاب، مباحث بر محور معماران شاخص پیش رفته است. به طور مثال در فصل دوازدهم- کثرت‌مداری- تحولات اصلی معماری، پس از جنگ دوم جهانی، با بررسی اقدامات و آثار معمارانی چون میس فان در روهه،^{۴۴} لوکربوزیه،^{۴۵} آلوار آلتو،^{۴۶} و فرانک

۳۸. همان، ص ۲۱۹.

۳۹. لازم به ذکر است که، در دیگر تاریخ‌نامه‌ها نیز سیری مشابه در توجه به زمان و ذکر تاریخ رویدادها دیده می‌شود.

40. Filippo Brunelleschi

۴۱. نوربرگ- شولتس، همان، ص ۲۸۰.

42. 5 Points

d'un architecture nouvelle

۴۳. نوربرگ- شولتس، همان، ص ۴۴۸.

رشد علمی و فنی نیز بر روند موجود در رنسانس اثر گذاشت و سرعت بیشتری به سیر تحولات معماری بخشید. آثار معماری پیش از رنسانس، در مدت زمان نسبتاً طولانی، طرح و پرداخت و انتظام فضایی را متحول می‌کرد؛ بنا بر این نقش هر هنرمند در این سیر طولانی چشمگیر و قابل ذکر نبود. از رنسانس به بعد معماری با سرعت بیشتری متحول شد. با سریع‌تر شدن سیر تحولات نقش افراد تحول‌آفرین قوی‌تر شد و این امر به حدی رشد یافت که، یک فرد در زمان حیات خویش مسبب بروز چندین تحول اساسی در معماری می‌شد. بنا بر این نسبت دادن تحولات معماری به افراد امری لازم و ضروری می‌نمود. یکی از نتایج افزایش ثبت اطلاعات هنرمندان و افعال و آثار آنان، ممکن شدن شناسایی جریان‌های هنری و حلقه‌های هنرمندان است؛ جریان‌های هنری و حلقه‌های هنرمندان اغلب در قالب مکتب در تاریخ‌نامه‌های هنر و معماری ظاهر می‌شود. نوربرگ-شولتس در ادوار پایانی چند مرتبه از مفهوم مکتب برای تبیین تاریخ معماری بهره گرفته است. همچنین ذکر زمان در تاریخ‌نامه سبب شده ادوار اصلی با دوره‌هایی از زمان همراه شوند و تاریخ معماری با سده‌های معماری نیز قابل طبقه‌بندی شود.

۲.۴. نام‌گزینی دوره‌ها

نام‌های ادوار در تاریخ‌نامه معنا در معماری غرب نام‌های آشنا و رایج در تاریخ معماری غرب است. در تاریخ‌نامه‌های معماری متعددی که تا کنون در غرب نوشته شده ادواری کاملاً یکسان به چشم نمی‌خورد؛ اما شباهت‌های بسیاری میان آنها هست. نام‌های دوره‌ها در اغلب تاریخ‌نامه‌ها تکرار شده و یکی از عوامل ایجاد شباهت میان آنها است. نوربرگ-شولتس در تاریخ‌نامه معنا در معماری غرب، گرچه از منظری جدید به معماری غرب نگریسته و روایتی نو از تاریخ آن دارد، برای نامیدن ادوار از نام‌های رایج در تاریخ معماری غرب بهره برده است. در مواردی حدود دوره و تعریف آن از منظر نوربرگ-شولتس تفاوت‌هایی با نگرش

لوید رایت^{۴۷} صورت گرفته است.

می‌توان دلایلی برای این تحول شمرد. نخست، تغییر نگاه انسان به جهان و جهان‌بینی است. این تحول سبب تغییر در تعریف انسان و به تبع آن هنرمند شد. «اعتماد به نفسی که در تفسیر جدید از رابطه میان انسان و خدا نهفته است، سبب آزادی چشمگیر خلاقیت انسان شد.»^{۴۸} از این زمان هنرمند انسانی خلاق شمرده شد. تغییر جایگاه انسان در جهان‌بینی رنسانس جایگاهی جدید به هنرمندان بخشید؛ به طوری که هنرمندان بیش از پیش خود را مسئول سازمان‌دهی و نظام‌بخشی به معماری می‌یافتند و نام خویش را همراه اثر در محافل و رساله‌ها قید می‌کردند. افزون بر آن توجه معماران به نظریه‌پردازی و ثبت نظریه‌ها در رساله‌ها معطوف شد. از جمله می‌توان به اقدامات آلبرتی اشاره کرد: «لئونه باتیستا آلبرتی»^{۴۹} حتی بیش از برونلسکی نقش اجتماعی تازه هنرمند را آشکار می‌کند. آلبرتی نه تنها معماری خلاق، بلکه نخستین نظریه‌پرداز هنر و معماری رنسانس [...] بوده است. او ده کتاب معماری^{۵۰} خود را در سال ۱۴۵۰ نوشت. [...] آلبرتی در این رساله‌ها قصد داشته است کتابی جامع‌تر و منظم‌تر را جانشین تفسیر کلاسیک ویتروویوس سازد»^{۵۱}.

تحولات باورها سبب ایجاد تغییراتی در محافل هنری شد. پیش از رنسانس هنرمندان تمایل چندانی به نوشتن و ثبت کردن وقایع و رویدادها و نظرها و باورهای خویش نداشتند. از این رو اندک رساله‌هایی پیرامون هنر و معماری پیش از رنسانس موجود است. با آغاز رنسانس تدوین رساله‌ها رونق گرفت. صاحب‌نظران هنر و معماری نظرهای خویش و نیز اطلاعاتی از آثار و افراد مؤثر در تاریخ معماری را تدوین کردند. با این رساله‌ها اطلاعات و اخبار دقیق‌تری از تاریخ معماری به زمان معاصر رسید و مورخان توانستند بنا بر اسناد بیشتری تاریخ معماری رنسانس و بعد از آن را تدوین کنند. نوشتن درباره معماری خود تحولی بزرگ است؛ تحولی که به تاریخ‌نویسی معماری منجر شد و به آن رونق بخشید.

44. Ludwig Mies van der Rohe

45. Le Corbusier

46. Alvar Aalto

47. Frank Lloyd Wright

۴۸. نوربرگ-شولتس، همان، ص ۲۹۹.

49. Leone Battista Alberti

50. Ten Books on Architecture

۵۱. نوربرگ-شولتس، همان، ص ۲۸۵.

رایج دارد و نویسنده به این تفاوت‌ها، در عین شباهت‌های ظاهری نام‌های دوره‌ها، اشاره داشته است. به طور مثال مورخ دوره‌های معماری یونان و روم را ادواری مجزا می‌شمارد. این درحالی است که، به دلیل شباهت‌های صوری میان معماری یونان و روم بسیاری معماری روم را ادامه معماری یونان تلقی کنند. نوربرگ شولتس با پیگیری باورها و خیال‌های یونانیان و رومیان این نظر را نقد کرده و معتقد است که، گرچه رومیان از صور معماری یونان بهره بردند، اما در پی ساختن معماری‌ای دیگر بودند.^{۵۲}

بهره‌گیری از نام‌های مشابه برای دوره‌های تاریخ معماری در غرب امکان بررسی‌های تطبیقی را فراهم می‌کند؛ همچنین در هر تاریخ‌نامه، بنا بر نگرش مورخ، لایه‌ای جدید برای

دوره‌های تاریخ معماری تعریف می‌شود. نوربرگ- شولتس نظر خود را درباره برخی اصطلاحات رایج در تاریخ هنر و معماری بیان کرده است؛ «اصطلاح رومیانه از آن جهت که این نوع معماری متضمن شکوفایی بیشتر پرداخت دیوار و پرداخت موزون معماری رومی است اصطلاحی کاملاً به‌جا است».^{۵۳}

نوربرگ- شولتس معماری غرب در دوره دوازدهم، که معماری معاصر خویش به‌شمار می‌رفته، را معماری کثرت‌مدار نامیده است. سخن نوربرگ- شولتس درباره این دوره متفاوت با ادوار پیشین است. نوربرگ- شولتس از ناتمام بودن این دوره آگاه بوده است. وی ویژگی کلی این دوره را کثرت‌مداری می‌داند از این رو نام کثرت‌مداری را برای آن برگزیده است.

منابع و مأخذ

اهری، زهرا. «معنا در معماری غرب: رویکردی پدیدارشناسانه در بررسی تاریخ معماری» در خیال، ش ۱۰ (تابستان ۱۳۸۳)، ص ۱۴۴-۱۵۳.

جرارد، دیتریچ. «دوران‌گذاری در تاریخ»، در فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها: مطالعاتی درباره گزیده‌ای از اندیشه‌های اساسی، ج ۲، فیلیپ پی‌واینر (و.). تهران: سعاد، ۱۳۸۵.

نوربرگ شولتس، کریستیان. معنا در معماری غرب، ترجمه مهرداد قیومی

بیده‌ندی، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶.

_____ . معماری، حضور، زبان و مکان، ترجمه علیرضا سیداحمدیان، تهران: مؤسسه معمار-نشر، ۱۳۸۱

Green, William A. «Periodization in European and World History», in: *Journal of World History*, Vol.3, pp. 13-53.

Norberg-Schultz, Christian. *Meaning in Western Architecture*, Tranlated by Anna-Maria de Dominicis (from Italian to English), New York: Rizzoli, 1993.